

ارزیابی عوامل کمی و کیفی در اصطلاحنامه‌های فارسی

■ **امیرحسینی، مازیار.** «ارزیابی عوامل کمی و کیفی مؤثر در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در اصطلاحنامه‌های فارسی». پایان‌نامه دکتری. استاد راهنما: دکتر جعفر مهرداد، استادان مشاور: دکتر عباس حری و دکتر زهیر حیاتی. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، بخش علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۶.

حاصل تفکر روژه که در اصطلاحنامه لغات و عبارات انگلیسی تبلور یافت، دارای سه تأثیر عمده بود: اول همان تأثیری است که در انشای ادیبانه از طریق سهولت بیان اندیشه بر جای گذاشته، دوم گسترش این تفکر در بسترهای گوناگون (مانند فراهم‌آوری بستر محاوره‌ای پیوسته از اثر روژه) و عینیت یافتن تفکر روژه در زبان‌های مختلف (مانند فرهنگ بیان اندیشه‌ها تألیف دکتر محسن صبا) و سوم تأثیر شگرف و غیرقابل انکار تفکر روژه در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات که موضوع اصلی بحث این پایان‌نامه است.

هانس پیتر لون^۲ در ۱۹۵۱، تحت تأثیر روش اصطلاحنامه روژه درصدد برآمد تا کلماتی را که از نظر مفهومی با یکدیگر مرتبط بودند، دسته‌بندی کند. تفکر لون در مرکز تحقیقاتی آی. بی. ام^۳ برای یافتن روش ساده‌ای برای کاربرد کامپیوتر در ثبت لغات مستند به‌منظور کاربرد در نمایه‌سازی موضوعی با ساختار منظمی از ارجاعات متقابل، محقق شد. نخستین اصطلاحنامه به این شکل برای نمایه‌سازی مدارک شیمی و مهندسی شیمی تهیه شد. در همان آغاز، اصطلاحنامه دیگری در مؤسسه اطلاعات فنی خدمات نظامی در دست تهیه بود که در ۱۹۶۰ به سرانجام رسید. در ۱۹۷۴ در گردهمایی نظام‌های کامپیوتری پیوسته در کتابخانه‌های تخصصی، اچ. نوبل^۴ و همفکران وی دیدگاه خود را درباره کاربرد «نظام زبان طبیعی» به‌منظور افزایش دقت نظام زبان کنترل شده و صرفه‌جویی در زمان هنگام ترجمه تحلیل مفهومی به موضوع - ترجمه مفهوم ذهنی به موضوع عینی - عرضه کردند. این مبنای فکری، بستر تدوین اصطلاحنامه‌ها به شکل امروزی بود.

اصطلاحنامه در فرآیند تدوین و کاربرد، تأثیراتی را به جا گذاشت. این تأثیرات عبارت بودند از: ترسیم ساختار علوم از طریق شناسایی حوزه‌های علمی هسته؛ برقراری ارتباط بین حوزه‌های علمی گوناگون از طریق لحاظ کردن حوزه‌های حاشیه‌ای؛ تفکیک قائل شدن بین حوزه‌های علمی؛ و تأثیر بی‌همانند در ذخیره و بازیابی اطلاعات. نظریه وحدت علم که برگرفته از دیدگاهی در فلسفه علم بود در دهه ۱۹۷۰ سرمنشأ نگرش دیگری به جهان دانش شد و عامل عینیت بخشیدن به نسل جدیدی از اصطلاحنامه‌هاست. این

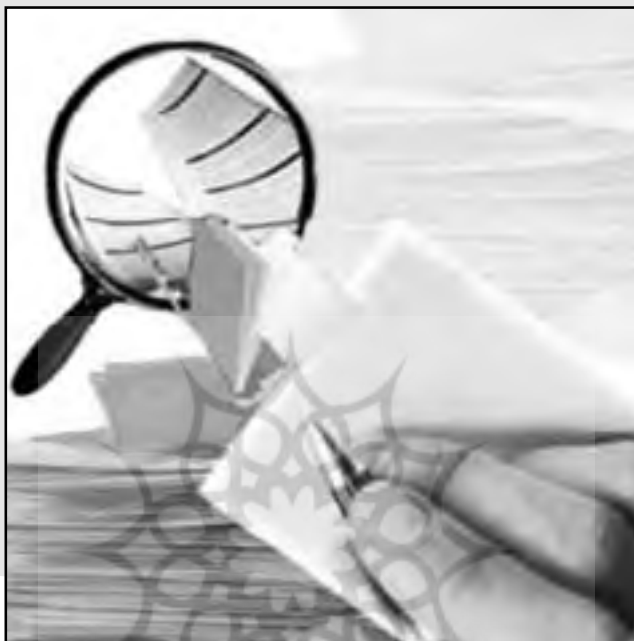
در معرفی این پایان‌نامه سعی شده تا به تبیین و تشریح محورهای اصلی و مهم این تحقیق پرداخته شود به‌گونه‌ای که مفاهیم پایه، تاریخچه و سیر تکوین، بنیادهای نظری و خاستگاه پیشین مباحث به اختصار بیان شده و در ادامه موضوع اصلی بحث ارائه می‌شود. از این طریق امکان ایجاد یک تفکر کلان و سیستمی در مباحث این پژوهش فراهم خواهد آمد. بنابراین در ابتدای سخن به مباحثی چون تعریف و سیر تکوین اصطلاحنامه، سیر تاریخی مقوله ارزیابی در اصطلاحنامه‌ها، زیربنای نظری تحلیل‌های کمی و کیفی، منشأ پیدایش تفکر ارزیابی کمی و کیفی در اصطلاحنامه‌ها و ترسیم مباحث مورد نظر در این پایان‌نامه می‌پردازیم.

بحث اول: تعریف و سیر تکوین اصطلاحنامه

گنج‌واژه یا اصطلاحنامه، مجموعه اصطلاحات یک رشته است که میان آنها روابط معنایی، رده‌ای و سلسله‌مراتبی برقرار شده و توانایی آن را دارد که موضوع آن رشته را با همه جنبه‌های اصلی و فرعی و وابسته، به‌گونه‌ای نظام‌یافته و به‌منظور ذخیره و بازیابی اطلاعات و مقاصد جنبی ارائه دهد. اصطلاحنامه برابر نهاد فارسی واژه انگلیسی تزاروس^۱ است که ریشه در زبان لاتینی باستان دارد و به‌معنای گنجینه، ذخیره و مجموعه به کار می‌رود. ریشه اصلی این واژه از اصطلاح یونانی تزاروس گرفته شده است.

تفکر ایجاد سازمان معنایی برای واژگان - یعنی زیربنای عینیت یافتن اصطلاحنامه‌ها به شکل امروزی - از روح تفکر پیتر مارک روژه^۲ نشئت می‌گیرد. در ۱۸۵۲ با انتشار کتاب اصطلاحنامه لغات و عبارات انگلیسی، روژه، اصطلاحنامه خود را معرفی کرد. هدف این اثر صرفاً ارائه سیاهه الفبایی ساده‌ای از واژه‌ها نبود، بلکه کمک به افرادی بود که قصد یافتن اصطلاحات دقیقی برای بیان اندیشه‌های خود داشتند. ساختار اصلی این اصطلاحنامه از کلمات و عبارات دسته‌بندی شده در گروه‌هایی از رده‌ها تشکیل می‌شد.

انقلاب فکری روژه را در سازمان معنایی دانش و واژگان چنان عمیق می‌یابیم که حتی تا امروز شاهد ویرایش‌های جدید این اثر و تأثیر غیرقابل انکار این تفکر در ذخیره و بازیابی اطلاعات هستیم.



اصطلاحنامه‌نگاری و ارزیابی اصطلاحنامه‌هاست. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۰ بحث اصطلاحنامه خودکار از دیدگاه ارزیابی و ارزیابی کیفی طرح می‌شود. نیازهای اطلاعاتی، ابردادها و ذخیره و ارزیابی اطلاعات در نظام‌های شبکه‌ای و تأثیر ارزیابی اصطلاحنامه‌ها بر هریک از این مباحث در سال ۲۰۰۱ مد نظر قرار می‌گیرد. سال ۲۰۰۲ بحث اصطلاحنامه تحت وب و فرامتن و تأثیر آن بر کاربران و نتایج در ارزیابی اطلاعات باز می‌شود و در ۲۰۰۳ مباحث تئوریک اصطلاح‌شناسی در اصطلاحنامه‌ها مجدداً طرح می‌شود. در سال ۲۰۰۴ ارزیابی اصطلاحنامه‌ها، ارزیابی ساختار مفهومی در اصطلاحنامه‌ها و کاربرد اصطلاحنامه در کتابخانه‌های الکترونیک و ارزیابی تأثیر اصطلاحنامه‌ها در کتابخانه‌های الکترونیک موضوع پژوهش‌ها و کنفرانس‌های تخصصی است.

بحث سوم: زیربنای نظری تحلیل‌های کمی و کیفی

همان‌گونه که از عنوان پایان‌نامه برمی‌آید، مباحثی چون کمیت، کیفیت و نسبت در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. حال در اینجا به ریشه‌یابی زیربنای نظری و تبیین جایگاه تحلیل‌های کمی و کیفی و بحث نسبت در ارزیابی اصطلاحنامه می‌پردازیم. مبنای نظری کاربرد مفاهیم کمیت، کیفیت و نسبت برگرفته از دیدگاه ایمانوئل کانت در تبیین ارکان علم است. کانت بر این باور بود که تا قوه تعقل به کار برده نشود، از حس و تجربه، علم حاصل نمی‌گردد. بنابراین اعتقاد داشت که علم مبانی عقلی می‌خواهد، ولی از سوی دیگر در تعقل نیز تا مبانی علمی به دست نیاید، اطمینان نمی‌توان کرد. کانت با اتکا به این اندیشه‌ها، «فلسفه نقدی» خود را تأسیس کرد و نخستین

اصطلاحنامه‌ها دیگر با همان هدف اول و مشهور تدوین اصطلاحنامه یعنی «ایجاد نقشه‌ای از حوزه موضوعی ویژه» به وجود نیامده بودند، بلکه بر مبنای تفکر جدید وحدت علم، عینیت یافته بودند. این نسل نوین از اصطلاحنامه‌ها شامل اصطلاحنامه‌های خرد و کلان و فرااصطلاحنامه‌ها می‌شود.

بحث دوم: سیر تاریخی مقوله ارزیابی در اصطلاحنامه‌ها

مقوله ارزیابی در اصطلاحنامه‌ها از منظر ماهیت، کاربرد و تأثیرات اصطلاحنامه بررسی شده است. به این ترتیب که دهه ۷۰ سرآغاز رویکرد به بحث ارزیابی اصطلاحنامه‌ها می‌باشد. این روند در دهه ۸۰ به شکل نظام‌مند و عمیقی دنبال شده، به گونه‌ای که در ۱۹۸۴ ارزیابی اصطلاحنامه‌ها در بستر پایگاه‌های اطلاعاتی و مسائل دستوری در اصطلاحنامه مورد بحث قرار می‌گیرد. سال ۱۹۸۶ سرآغاز بحث درباره اصطلاحنامه‌های خودکار و ارزیابی اصطلاحنامه‌ها در این بستر است. در دهه ۹۰ نیز سرفصل‌های دیگری در حوزه ارزیابی اصطلاحنامه باز می‌شود. یکی از این موارد تشریح کاربرد نتایج حاصل از ارزیابی اصطلاحنامه در نظام ذخیره و پردازش اطلاعات است. در این حوزه نمایه، نمایه‌سازی و روش‌های پردازش در بستر اصطلاحنامه ارزیابی می‌شود. در دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ به‌طور مشخص به موضوع کاربرد اصطلاحنامه در ارزیابی به‌منزله تحولی در مقایسه با کاربرد در ذخیره اطلاعات پرداخته شد. ویژگی دیگر این دهه که به‌ویژه در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ خودنمایی می‌کند، تدوین و تولید اصطلاحنامه‌های چهره‌ای است. سرآغاز قرن ۲۱ نیز شاهد تمرکز بر نقطه کانونی اصطلاحنامه،

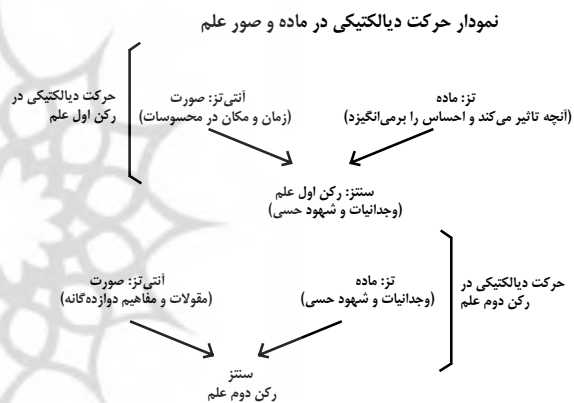
با توجه به اینکه نقطهٔ کانونی ارزیابی اصطلاحنامه‌ها در این پایان‌نامه در تحلیل‌های کمی، کیفی و تبیین نسبت‌ها نهفته است، می‌توان گفت که نقطهٔ کانونی ارزیابی اصطلاحنامه‌ها در اینجا دارای جایگاه نظری استواری است که آن معلومات قبلی است و از طریق اصل قرار دادن ادراک می‌توان در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها، احکام یا قضایای ترکیبی را شکل داد. نهایتاً نیز از طریق قالب‌های ذهنی کمیت، کیفیت و نسبت در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها می‌توان به وحدت و توحید در تجربه (وجدانیات و شهود حسی یا رکن اول علم) پرداخته و رکن دوم علم را شکل داد.

بحث چهارم: منشأ پیدایش تفکر ارزیابی کمی و کیفی در اصطلاحنامه‌ها

حال به جایگاه و خاستگاه کاربرد ارزیابی‌های کمی و کیفی در بستر نسبت‌ها در اصطلاحنامه‌ها می‌پردازیم. اصطلاحنامه‌ها را می‌توان نخست از طریق نقد و بررسی کیفی ارزیابی کرد و ویژگی‌هایی را که وجود آنها در هر اصطلاحنامهٔ جامع ضروری است، سنجید. علاوه بر ارزیابی کیفی اصطلاحنامه، برخی از آزمون‌های آماری نیز در قالب تحلیل‌های کمی به‌منظور سنجش اصطلاحنامه‌ها ارائه شده است. اندازه‌گیری‌های مبتنی بر عدد و شمارش در ۱۹۷۶ گسترش یافت. در زمینهٔ بررسی‌های کمی، معیارها و آزمون‌هایی ارائه شده است که در اینجا به ذکر مواردی می‌پردازیم که در این پایان‌نامه مورد استفاده قرار گرفته است:

۱. نسبت پیوستگی: نسبت ارجاعات متقابل اصطلاحات (یا ارجاعات دوسویه) به تعداد کل اصطلاحات موجود در واژگان کنترل شده.
۲. نسبت اتصال: نسبت توصیفگرهای مجزا و منفرد به کل توصیفگرها.
۳. میزان دسترسی: تعداد متوسط ارجاعاتی که اصطلاحات مرجح دریافت می‌کنند.
۴. نسبت توانمندی: تحلیل متوسط ارجاعات هر توصیفگر.
۵. نسبت تعادل: در این روش نسبت اصطلاحات مرجح در مجموعهٔ اصطلاحات محاسبه می‌شود. این ملاک معیار توانمندی اصطلاحات مدخل است.
۶. انعطاف‌پذیری: در این روش نسبت کلمات در توصیفگرهای چندکلمه‌ای، که ممکن است در واژگان به‌صورت اصطلاحات مرجح و غیرمرجح باشند، سنجیده می‌شوند.
۷. سطح پیش‌همارایی: این نسبت عبارت است از تعداد متوسط کلمات در هر توصیفگر.

اثر بزرگ خود، نقادی عقل مطلق^۷ را منتشر کرد. در اینجا برای تبیین دیدگاه کانت در شکل‌گیری علم و ارکان گوناگون آن، نمودار حرکت دیالکتیکی در ماده و صورت علم را از دیدگاه کانت به نمایش می‌گذاریم.



از دیدگاه کانت در صورت ایجاد رکن دوم علم، مقولات و مفاهیم دوازده‌گانه نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این مقولات و مفاهیم به چهار دستهٔ کلی کمیت، کیفیت، نسبت و جهت تقسیم می‌شوند. بنابراین از دیدگاه کانت، جایگاه نظری مقولات کمیت، کیفیت و نسبت در رکن دوم علم جای می‌گیرد. همان‌گونه که زمان و مکان به‌منابۀ صورت، قالب‌هایی‌اند که از طریق قوهٔ حس، ماده را به رکن اول علم تبدیل می‌کنند، مقولات و مفاهیم دوازده‌گانه نیز به‌عنوان صورت، قالب‌هایی‌اند که از طریق قوهٔ فهم، ماده (یا رکن اول علم) را به رکن دوم علم تبدیل می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که مقولات دوازده‌گانه نقش بسیار اساسی در ایجاد رکن دوم علم دارند. پس با این قیاس جایگاه مفاهیم کمیت، کیفیت، نسبت و جهت در صورت علم است و این صورت از طریق قوهٔ فهم است که به وحدت در تجربه (وجدانیات و شهود حسی) پرداخته و رکن دوم علم را پدید می‌آورد. از سوی دیگر مفاهیمی چون کمیت، کیفیت، نسبت و جهت از جمله معلوماتی است که از طریق ذهن حاصل می‌شود و به آن معلومات قبلی یا معلومات ذهنی و عقلی گویند. حال در اینجا سؤال کانت را مطرح می‌کنیم، چگونه می‌توان پیرامون اشیا یا امور بیرون از ذهن با توجه به معلومات قبلی (مقولات و مفاهیم)، احکام ترکیبی ترتیب داد؟ جواب نیز انقلاب کپرنیکی کانت است. یعنی اصل قرار دادن ادراک و انطباق اشیا بر آن است. بدین ترتیب است که می‌توان با تکیه بر مقولات کمیت، کیفیت، نسبت و جهت (یعنی معلومات قبلی) از امور و اشیای بیرون از ذهن، احکام ترکیبی ترتیب داد.

بحث پنجم: ارزیابی کمی و کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی

حال پس از ذکر مهم‌ترین مباحث مورد نظر و پایه، به ترسیم آنچه در ارزیابی کمی و کیفی اصطلاحنامه‌های تألیفی فارسی در این پایان‌نامه گذشته است، می‌پردازیم. در این پژوهش اصطلاحنامه‌ها از دو دیدگاه کمی و کیفی بررسی و ارزیابی می‌شوند. از یک دیدگاه کلان می‌توان گفت که روش‌های کمی و کیفی ارزیابی اصطلاحنامه برای مدیریت نگهداری و استمرار اصطلاحنامه است. بنابراین، هدف غائی هر دو شیوه ارزیابی یکی است. از سوی دیگر نسبت‌های ارائه شده در این پایان‌نامه عضوی از یک پیکره واحد در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها می‌باشند.

این پیکره واحد شامل مجموعه ارتباطات اصطلاحنامه‌ای (روابط اعم، اخص، وابسته و اصطلاحات غیرمرجع)، ویژگی‌های اصطلاحات (توصیفگر و غیرتوصیفگر بودن، تعداد کلمات توصیفگرها و تعداد ارجاعات آنها) و ویژگی‌های اصطلاحنامه‌ها (کیفیت محتوایی، ساختاری، فیزیکی و اداره اصطلاحنامه) است. بنابراین جداسازی آنها فقط به منظور تفکیک در صورت است نه در جوهر. از این رو می‌توان گفت که در این پایان‌نامه درباره آزمون‌های کمی و تحلیل‌های کیفی در صورت، قصد تفکیک وجود داشته و به منظور جدا نشدن مباحث متحد از هم، چند سیاست در پیش گرفته شده است. اول اینکه در مقدمه این پژوهش، ارتباطات بین نسبت‌ها روشن شده است، دوم از طریق تخصیص شماره به این نسبت‌ها که حاکی از یک سیر توالی است، به وحدت آنها کمک شده است، و سوم اینکه نهایتاً در این پژوهش از طریق ارجاعات در درون متن، نتایج مرتبط به هم پیوند داده شده است.

بحث ششم: ارتباط سیستمی ارزیابی‌های کمی و کیفی در اصطلاحنامه‌های اصفی، شیمی، اصول فقه، منطق، فلسفه اسلامی، علوم قرآنی و کلام

با توجه به آنچه گفته شد، در این قسمت سعی بر روشن شدن دیدگاه ارتباط سیستمی ارزیابی‌های کمی و کیفی در این پژوهش داریم. در مطالب پیشین بیان شد که این دو روش ارزیابی از دیدگاه هدف غائی یعنی گام برداشتن برای مدیریت تدوین، نگهداری و استمرار اصطلاحنامه، دارای هدف مشترک هستند. بنابراین هر دو روش ارزیابی کمی و کیفی برای حفظ پویایی و استمرار در اصطلاحنامه‌ها، نقش اساسی دارند و به یک جهت مشخص می‌نگرند. با توجه به نقطه اشتراک اساسی بین روش‌های ارزیابی در این پژوهش، ارتباط سیستمی این روش‌ها از نظر سیر توالی آنها نیز حفظ می‌شود. بدین ترتیب که مباحث مرتبط با ارزیابی در این پایان‌نامه به سه فصل تقسیم شده است، لیکن این مباحث از طریق شماره‌گذاری درونی در

هر فصل و ارتباط آن با فصل دیگر امکان ایجاد نگرش کلان و ایجاد وحدت را فراهم می‌آورد. ضمناً در درون هر فصل نیز بین نسبت‌ها و عوامل ارزیابی، ارتباطاتی وجود دارد که در مقدمه هر فصل به طور مشروح به آن پرداخته شده است. با توجه به آنچه گفته شد، عناوین فصل‌های مرتبط با ارزیابی کمی و کیفی (فصل سوم تا پنجم) در این پایان‌نامه عبارت‌اند از:

۱. ارزیابی کمی نسبت‌ها؛

۲. تحلیل مفهوم تعداد و شمار روابط اصطلاحنامه‌ای؛

۳. ارزیابی کیفی.

در فصل‌های مذکور ابتدا هریک از نسبت‌ها یا عوامل ارزیابی معرفی شده، سپس فرمول یا بحث مربوط به آن ارائه می‌شود و در ادامه، ارزیابی اصطلاحنامه‌های تألیفی فارسی مورد مذاکره قرار می‌گیرد. گفتنی است که به ترتیب، نتایج حاصل از اصطلاحنامه‌های شیمی، اصفی، اصول فقه، منطق، فلسفه اسلامی، علوم قرآنی و کلام درباره هریک از نسبت‌ها ارائه شده است. نکته مهم در این پژوهش این است که به منظور یادآوری سریع نسبت موردنظر در خلال مباحث و نمایش نمودارها در سراسر متن تحقیق شماره‌های اختصاص یافته به اصطلاحنامه‌ها، مشابه می‌باشد. یعنی در متن این پژوهش و شماره نمودارها، در ارزیابی اصطلاحنامه‌های تألیفی فارسی، هرجا، عدد ۵ دیده می‌شود یعنی این مبحث مربوط به اصطلاحنامه فلسفه است. ضمناً به منظور ایجاد یک نگرش کلان در نتیجه‌گیری کلی، نتایج حاصل از فصول مذکور در یک فصل مجتمع و منسجم شده است.

بحث هفتم: پیشنهاد شماری از سنج‌های آماری در ارزیابی کمی و پیشنهاد روش ارزیابی کیفی در اصطلاحنامه‌ها برای اولین بار

در ادامه می‌توان گفت که در این پژوهش علاوه بر کاربرد هفت نسبت مذکور، در ارزیابی اصطلاحنامه‌های فارسی، تعدادی نسبت از سوی نگارنده پایان‌نامه پیشنهاد شده است. شمار نسبت‌های پیشنهادی ۱۰ مورد است که برخی از آنها، نقش مکمل را برای نسبت‌های دیگر ایفا می‌کنند، برخی دیگر تفکر نوینی را در تحلیل نسبت‌ها ارائه می‌دهند و شماری از نسبت‌ها به صورت بنیادی ارائه شده است. در اینجا به نسبت‌های پیشنهادی اشاره می‌شود:

۱. نسبت وابستگی: نسبت توصیفگرهایی که دارای اصطلاح وابسته‌اند به تعداد کل توصیفگرها (مکمل نسبت پیوستگی)؛
۲. نسبت انسجام: نسبت توصیفگرهایی که دارای رابطه اعم و اخص هستند به تعداد کل توصیفگرها (مکمل نسبت پیوستگی، این نسبت را دکتر عباس حری پیشنهاد کرده‌اند)؛
۳. متوسط وابستگی و انسجام (مکمل نسبت وابستگی و انسجام)؛

۱. فصل اول، معرفی پژوهش: در این فصل به مسئله پژوهش، اهداف پژوهش، پرسش‌های اساسی مورد نظر و تعاریف عملیاتی پرداخته شده است؛

۲. فصل دوم، پیشینه پژوهی و مبانی نظری: این فصل به پیشینه پژوهش در داخل و خارج از ایران اختصاص دارد و سیر تکوین اصطلاحنامه، سیر تاریخی مقوله ارزیابی در اصطلاحنامه‌ها، زیربنای نظری ارزیابی‌های کمی و کیفی در اصطلاحنامه‌ها و منشأ پیدایش تفکر ارزیابی کمی و کیفی در اصطلاحنامه‌ها بررسی می‌شود؛

۳. فصل سوم، روش‌شناسی پژوهش: در این فصل به متغیرهای موردنظر، جامعه پژوهش، روش پژوهش و مراحل تجزیه و تحلیل کیفی و ارتباطی اشاره می‌شود؛

۴. فصل چهارم: نسبت‌های کمی، تعاریف و فرمول‌های آنها به همراه تجزیه و تحلیل‌های نتایج حاصل از ارزیابی کمی اصطلاحنامه‌های فارسی در این فصل عرضه می‌شود؛

۵. فصل پنجم: مفاهیم تعداد و شمار در ارزیابی کمی روابط اصطلاحنامه‌ای در شبکه توصیفگرها به همراه تحلیل نتایج حاصل از اصطلاحنامه‌های فارسی در این فصل آورده شده است؛

۶. فصل ششم: روش‌های گوناگون ارزیابی کیفی اصطلاحنامه‌ها به همراه روش‌های مورد بحث در این پایان‌نامه و ارزیابی کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی مباحث این فصل است؛

۷. فصل هفتم: نتایج حاصل از ارزیابی کمی و کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی در این فصل بررسی می‌شود. به گونه‌ای که هریک از پرسش‌های اساسی این تحقیق در ابتدا بیان شده و پاسخ به این پرسش‌ها از درون تحلیل‌های ارائه شده در ارزیابی کمی و کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی استخراج و ارائه می‌شود.

۸. فصل هشتم: در این فصل نتایج حاصل از ارزیابی کمی و کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی بر مبنای مباحث و بررسی‌های صورت گرفته بیان شده است. علاوه بر این پیشنهادهایی از نتایج ارزیابی‌های کمی و کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی در فصول چهارم تا هفتم، ارائه می‌شود.

۹. پیوست ۱: این بخش شامل نتایج و نمودارهای حاصل از ارزیابی تعداد روابط اصطلاحنامه‌ای در اصطلاحنامه‌های فارسی است. شایان ذکر است که این بخش مکمل فصل چهارم بوده و به نتایج این بخش در فصل چهارم اشاره شده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Thesaurus
2. peter mark roget
3. Hans Peter Luhn
4. Research Center of the IBM
5. H.H.Neville
6. Criticism
7. Critique de la raison pure

۴. نرخ وابستگی و انسجام (مکمل نسبت وابستگی و انسجام)؛

۵. میزان دسترسی و توانمندی (ارائه تفکر و تحلیل بدیعی از این نسبت‌ها)؛

۶. درصد پراکندگی: درصد پراکندگی توصیفگرهای مجزا و منفرد به کل توصیفگرها در اصطلاحنامه (مکمل نسبت پیوستگی و اتصال)؛

۷. نسبت عامل‌بندی: نسبت تعداد توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون (پیشنهاد بنیادی)؛

۸. نسبت سادگی: نسبت توصیفگرهای بسیط به تعداد کل توصیفگرها (پیشنهاد بنیادی)؛

۹. نسبت زبان طبیعی: نسبت توصیفگرهای با زبان طبیعی به تعداد کل توصیفگرها (پیشنهاد بنیادی)؛

۱۰. نسبت زبان مصنوعی: نسبت غیرتوصیفگرهای با زبان غیرطبیعی به تعداد کل غیرتوصیفگرها (پیشنهاد بنیادی).

در اینجا ذکر این نکته لازم است که درباره شماری از نسبت‌های پیشنهادی با پروفیسور لنکستر تبادل نظر شده است.

ارزیابی کیفی در این پژوهش، مطابق با مبحث ارزیابی کیفی در آثار پروفیسور لنکستر و برگرفته از استاندارد ایزو ۲۷۸۸ است. لنکستر در بحث درباره ارزیابی کیفی به ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که می‌تواند مبنای مدیریت تدوین، نگهداری و استمرار اصطلاحنامه باشد. لیکن روش کار در ارزیابی کیفی اصطلاحنامه‌های فارسی در این پایان‌نامه به‌شکل بدیعی با در نظر گرفتن چهار محور عمده ارائه می‌شود. این چهار محور عبارت‌اند از:

۱. دیدگاه محتوایی: تحلیل مقدمه و شیوه‌های رفع ابهام از توصیفگرها (توضیحگر، یادداشت دامنه و چهریزه‌نما)؛

۲. دیدگاه ساختاری: تحلیل و شناسایی اصطلاحات مجزا و منفرد، ارجاعات کور و برقراری روابط متقابل؛

۳. دیدگاه فیزیکی: شامل تحلیل شکل فیزیکی اصطلاحنامه، نمایش‌های اصطلاحنامه‌ای، نمایش ظاهر اصطلاحات و امتداد توصیفگرها و مشتقات آنها؛

۴. اداره اصطلاحنامه: شامل بررسی کنترل رابطه‌های متقابل در اصطلاحنامه، بررسی اعتبار رابطه‌ها، ترسیم شیوه‌های گوناگون نمایش‌های اصطلاحنامه‌ای، امکان قرار گرفتن واژگان به‌عنوان میانجی در نمایه‌سازی و کاوش، بهینه‌سازی خودکار راهبرد کاوش و هدایت کاوش‌های مرتبط با رابطه سلسله‌مراتبی.

بحث هشتم: تبیین و تشریح فصول این پایان‌نامه

در این بخش به‌منظور ارائه دیدگاهی جامع و کلان درباره مباحث و فصول پژوهش به تبیین نکات مورد بحث در هریک از فصول و بخش‌های آن می‌پردازیم. این دیدگاه کلان از سویی عامل همگرایی مباحث متوالی یا پراکنده شده و از سوی دیگر، راهنمایی برای مطالعه و بررسی پایان‌نامه است. بنابراین در اینجا سعی می‌شود که شیوه ارائه و دسته‌بندی مطالب در این متن به‌اختصار توضیح داده شود.